



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه پیام نور

واحد مشهد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد تاریخ تشیع

عنوان:

مقایسه سیاست های اقتصادی امام

علی (ع) و خلفای سه گانه

استاد (اهنما): دکتر علی ناظمیان فرد

استاد (مشاور): دکتر محمد رمضان پور

دانشجو: کبری زنگنه قاسم آبادی

بهار ۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده.....
۲	کلیات و سازمان پژوهش.....
فصل مقدماتی: نگاهی به سیاست های اقتصادی پیامبر (ص)	
۹	منابع درآمد دولت پیامبر (ص).....
۹	غنایم.....
۱۳	جزیه.....
۱۳	خراج.....
۱۸	آموزه های اقتصادی پیامبر (ص).....
فصل اول: سیاست های مالی و اقتصادی خلیفه اول	
۲۲	بحران ارتداد.....
۲۶	بررسی جنبه های اقتصادی مبارزه با مرتدین.....
۲۷	نوع و مقدار زکات و عوامل آن.....
۳۰	غنایم.....
۳۳	خمس غنایم.....
۳۴	خمس غنایم شام.....
۳۵	جزیه.....
۳۷	اقطاعات.....
۳۸	سیاست های توزیع ثروت.....

اقتصاد شخصی ۴۰

فصل دوم: سیاست های مالی و اقتصادی خلیفه دوم

غنایم و اسراء ۴۳

غنایم نهانند ۴۴

غنایم قادسیه ۴۴

غنایم مدائن ۴۶

غنایم جلولاء ۴۸

غنایم شوشتر ۴۸

غنایم بویب ۴۸

سایر غنایم ۴۹

جزیه ۵۰

جزیه جزیره ۵۱

جزیه رقه ۵۲

جزیه مصر ۵۳

خراج ۵۸

تأسیس دیوان ۶۵

زکات ۷۴

عشر ۷۵

بذل و بخشش ها ۷۷

بیت المال در روزگار عمر ۷۷

عمر و کارگزاران ۸۰

فصل سوم: بررسی سیاست های اقتصادی و مالی خلیفه سوم

غنایم ۸۸

جزیه ۹۱

خراج ۹۴

خمس و زکات ۹۶

نگاهی گذرا به نیمه نخست خلافت عثمان ۹۹

نیمه دوم خلافت عثمان (بذل و بخشش ها) ۱۰۱

مشى مسرفانه ۱۰۸

نتایج سیاست های مالی عثمان ۱۰۹

فصل چهارم: سیاست های اقتصادی علی (ع)

غنایم ۱۱۳

جزیه ۱۱۵

خراج ۱۱۶

زکات ۱۱۸

اصلاحات علی (ع) ۱۲۰

موقوفات و پایه گذاری سنت وقت ۱۳۳

فصل پنجم: مقایسه سیاست های اقتصادی علی (ع) با خلفای سه گانه

مقایسه سیاست های اقتصادی علی (ع) با خلفای سه گانه ۱۳۹

عدالت اقتصادی ۱۳۹

۱۴۱ عدالت اجتماعی
۱۴۳ انحرافها و بدعتها
۱۴۳ رفاه طلبی
۱۴۵ نتیجه گیری
۱۴۷ ضمایم
۱۵۱ فهرست منابع

چکیده

پیامبر گرامی اسلام (ص) در طی ۲۳ سال رسالت خود کوشید نظام طبقاتی و تبعیضات موجود در جامعه را از بین برده و عدالت را جایگزین آن نماید اما پس از ایشان ابوبکر جانشین بلافصل وی به ظاهر سعی در ایجاد عدالت در جامعه و پیروی از شیوه او نمود به همین خاطر سعی کرد در سیاست های اقتصادی خودش توزیع عادلانه ثروت را رعایت نماید؛ عمر خلیفه پس از وی، از آن جا که با ثروت سرشار ناشی از فتوحات مواجه شده بود دیوان را تاسیس نمود و در آن امتیازات معنوی را دلیل کسب امتیازات مادی دانست و به این دلیل حکومت را تبدیل به حکومتی دیوان سالارانه نمود و طبقه بندی اقتصادی جامعه ناشی از اتخاذ این تصمیمات توسط وی بود که گرچه خلیفه دوم در اواخر عمر متوجه پیامدهای این موضوع شد اما فرصت نیافت تا سیاستش را تغییر دهد. عثمان خلیفه سوم نیز علاوه بر ادامه روش خلیفه دوم، در نیمه دوم از حیات سیاسی خود، با در پیش گرفتن سیاست برتری خانوادگی، بنی امیه را بر سایرین ترجیح داد تا جایی که اتخاذ این سیاست توسط وی منجر به روی کار آمدن طبقه ای ثروتمند در جامعه و هم چنین گسترش فقر در میان سایر اقشار مردم و ایجاد شورش در جامعه گردید. اما علی (ع) با رسیدن به خلافت، سیاستی متضاد با مشی اقتصادی خلفای پیشین اتخاذ کرد و خواست تا جامعه را به مساوات عصر رسول الله (ص) برگرداند، به همین دلیل سیاست عدالت را در پیش گرفت و تمامی امتیازات موجود را از بین برد که این موضوع دشواری هایی نیز برای ایشان به وجود آورد.

کلید واژه ها: ابوبکر، اقتصاد، خلیفه، عثمان، علی، عمر، سیاست

کلیات و سازمان پژوهش

بیان مسأله

خلفای راشدین، پس از پیامبر اسلام (ص) زمامدار جامعه مسلمین شدند و هر یک در روزگار خویش کوشیدند تا با اتخاذ سیاست مالی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رتق و فتق مهم امور جامعه تحت مدیریت خویش بپردازند. مسأله ای که در کانون توجه این پژوهش قرار دارد این است که آیا خلفای چهارگانه در تصمیمات متخذه از وحدت رویه برخوردار بودند و یا سیاست های یکی در تعارض با دیگری بود؟ کدام سیاست توانست جامعه را از سیره رسول (ص) جدا کند و به دنیاگرایی و زیست جهانی طبقاتی نزدیکتر سازد؟ این پژوهش می کوشد تا با مطالعه تطبیقی سیاست های خلفای چهارگانه، رویکردها و رهیافت های آنها را در پیشبرد امور مورد سنجش قرار دهد و کامیابی و ناکامی آنها را به داوری بنشیند.

پرسش های تحقیق:

انجام این پژوهش تابع پرسش های ذیل بوده است:

- ۱- سیاست های اقتصادی توسط خلفا چه نتایجی در بر داشت؟
- ۲- هزینه های اداری، نظامی و عمرانی خلفا چگونه تامین می شده است؟
- ۳- اتخاذ سیاست بها دادن به گروههای منزلتی چه تاثیری در جامعه داشت؟

فرضیه های تحقیق:

از کنکاش در متون و داده های تاریخی پاسخ های مفروضی به پرسش های یاد شده به دست آمده:

۱- سیاست های اقتصادی خلفا با زاویه دیگری از سیره رسول (ص) موجب طبقاتی شدن جامعه گردید.

۲- در دوران خلیفه اول هزینه ها بیشتر از طریق گرفتن زکات تامین می شد اما در دوران خلیفه دوم و سوم غنایم به دست آمده از فتوحات و جزیه و خراج مهمترین منابع تامین هزینه

ها بودند در دوران خلیفه چهارم متوقف شدن فتوحات این منابع را به حداقل رساند و زکات تامین کننده این هزینه ها بود.

۳- اتخاذ سیاست بها دادن به گروه های منزلتی علاوه بر دوقطبی شدن جامعه، باعث استفاده گروهی محدود از مردم از بیشترین امکانات اقتصادی گشت که این موضوع اوایل با اعتراضاتی پراکنده همراه بود اما قتل خلیفه دوم و سوم را نیز می توان از نتایج اتخاذ این سیاست دانست.

روش تحقیق:

این پژوهش بر اساس روش تحقیق تاریخی (توصیفی - تبیینی) و بر بنیاد گردآوری، طبقه بندی و تحلیل داده ها - آنگونه که در تاریخ پژوهش - مرسوم و متداول است سامان یافته است.

ضرورت و هدف تحقیق:

نظر به اینکه تاریخ عصر خلافت بخشی از تاریخ اسلام است که از حیث زمانی پیوند ناگسستنی با عصر رسول (ص) دارد و هنوز فاصله چندانی با روزگار پیامبر (ص) نیافته است انتظار عمومی این است که سیاست های عصر رسول (ص) کم و بیش در این دوره جاری و ساری بماند. حتی ممکن است کسانی هم بر همین تصور، شیوه و سیره خلفای رسول الله (ص) را تالی تلو پیامبر بدانند اما با دقت و بررسی در این برهه تاریخی روشن خواهد شد که سیاست خلفای سه گانه طابق الفعل بالفعل به سیاست های نبوی وفادار نماند و امام علی (ع) هم که در پی احیای سیره رسول (ص) بوده با مشکلات فراوانی مواجه شد. لذا تحقیق در این دوره و شناخت ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی عصر خلفا ضرورتی است تا نسبت آن با عصر نبوی روشن شود و در ترازوی سنجش تاریخی وزن آن نسبت به وزن عصر پیامبر (ص) آشکار گردد.

هدفی که این پژوهش در راستای آن سامان یافته این است که با ایضاح مسئله تحقیق، پرتوی بر زوایا و جنایای موضوع مورد مطالعه افکنده شود تا کامیابی و ناکامی خلفای در متابعت تام و تمام از سیره رسول الله (ص) آشکار گردد.

ساختار پژوهش:

این تحقیق در یک فصل مقدماتی و پنج فصل اصلی به انجام رسیده است:

۱. در فصل مقدماتی به حوادث دوران رسول الله (ص)، نظام اقتصادی دوران ایشان، درآمدها و هزینه ها اشاره شده است این که پیامبر (ص) چگونه در مشکلات و در اوایل بنیان گذاری دولتش که منابع اقتصادی آن دوران کفاف هزینه ها را نمی داد مشکلات اقتصادی را حل نموده و جامعه را به صورت متعادل درآورد و چه سیاست های اقتصادی در پیش گرفت.

۲. در فصل اول به جریان ارتداد در دوران خلیفه اول پرداخته شده و موضوع ارتداد، جنگ های رده و بحث غنایم و سایر منابع درآمد بررسی شده، هم چنین سیاست های اقتصادی خلیفه اول در دوران کوتاه مدت حکومت ایشان و زندگی اقتصادی ایشان نیز بررسی شده است.

۳. در فصل دوم ابتدا به درآمد غنایم که مهمترین منبع درآمد دوران حکومت خلیفه دوم بوده پرداخته شده، سپس موضوع زمین های مفتوحه و سیاست خلیفه دوم در مورد این زمین ها مورد بررسی قرار گرفته، هم چنین مسأله تأسیس دیوان که تأثیر مهمی در تعیین خط مشی اقتصادی دوران ایشان و دوران خلیفه بعد از ایشان داشته بررسی شده و در نهایت سایر منابع اقتصادی دوران حکومت خلیفه دوم و سیاست های خلیفه دوم در مسایل اقتصادی و مالی و تأثیر این سیاست ها در جامعه آن دوران و هم چنین به سیاست های ایشان در رابطه با کارگزاران و زندگی اقتصادی شخص خلیفه پرداخته شده است.

۴. در فصل سوم ابتدا منابع درآمد دوران خلیفه سوم مورد بررسی قرار گرفته، هم چنین سیاست های اتخاذ شده توسط ایشان در رابطه با این درآمدها و بذل و بخشش های ایشان از بیت المال و در نهایت اعتراض صحابه به ایشان در این مورد مورد بررسی قرار گرفته است.

۵. در فصل چهارم نیز ابتدا منابع درآمد دوران حکومت امام علی (ع) و هم چنین سیاست های اقتصادی ایشان که در تعارض با سایر خلفا بود مورد بررسی قرار گرفته است هم چنین پدیده وقف و شیوه برخورد علی (ع) با کارگزارانشان و در نهایت زندگی اقتصادی خودشان مورد بررسی قرار گرفته است.

۶. در فصل پنجم از آن جا که سیاست های اقتصادی خلفا به طور مجزا در چهار فصل
ارایه شده به طور مختصر به مقایسه سیاست های اقتصادی علی (ع) با سایر خلفا پرداخته شده
و تعارضها و شباهت های آنها بیان شده است.

نقد و بررسی منابع:

در این پژوهش از کتاب های متعددی استفاده شده که عمدتاً در سه دسته از تاریخ عمومی،
کتب فتوح و کتاب های اموال و خراج جای می گیرند که اهم آنها را مورد بررسی قرار
می دهیم.

تاریخ طبری: تألیف محمدبن جریر طبری است که از بزرگترین مورخان قرن سوم و
چهارم (۳۱۰-۲۲۵) می باشد که در تاریخ عمومی تألیف شده است. طبری مورخی است که
سعی کرده روایات را بدون کم و کاست و دخالت نظر ذکر کند اما در ذکر حوادث سال های
۱۱ تا ۳۷ هجری که در این تحقیق از آن ها استفاده شده طبری روایات خود را عمدتاً از سیف
بن عمر که شخصیت موثق و معتبری نبوده نقل کرده است و این موضوع از اعتبار کار وی
می کاهد.

تاریخ یعقوبی: تألیف ابن واضح یعقوبی است که در تاریخ عمومی نگاشته شده است. در
این کتاب پس از پرداختن به تولد پیامبر (ص) و سایر اتفاقات دوران ایشان، مباحث سقیفه و
خلافت ابوبکر و سپس انتصاب عمر توسط وی و هم چنین خلافت عثمان و شورش علیه وی
و قتل او و سپس خلافت علی (ع) را شرح داده است. اهمیت این کتاب در تحقیق حاضر از
آن جاست که ایشان علاوه بر پرداختن به زندگی خلفای راشدین، به طور مفصل بذل و
بخشش های عثمان به خویشاوندانش و هم چنین اعتراضات صحابه به وی را توضیح داده
است.

الکامل فی التاریخ: تألیف ابن اثیریکی از آثار گران بهای تاریخی است که از آغاز آفرینش
تا سال ۶۲۸ هجری را در بر می گیرد. ابن اثیر گزارش تاریخی خود را تا سال ۳۰۳ هجری از
طبری گرفته و پس از آن از دیگر مورخان اسلامی بهره جسته است. از ویژگی های مهم این
کتاب ضبط برخی از اسامی اشخاص و امکانه است. اهمیت الکامل بیشتر به خاطر اشمال به
ذکر وقایعی است که در آثار دیگران دیده نمی شود یا کمتر بدان پرداخته است. از لابلای

وقایع مندرج در این کتاب میتوان اطلاعات ارزشمندی را در خصوص دوران خلافت خلفای راشدین و حوادث عصر آنها یافت.

تاریخ فخری: تالیف ابن طباطبا است که با همه ایجاز و اختصار به ذکر اخبار خلفای اسلامی پرداخته است. در این کتاب از خلفای راشدین، اموی و عباسی سخن رفته است و با سقوط عباسیان کتاب به پایان می رسد. مولف این کتاب در ایراد مطالب و کیفیت القای آن توجه خاص بکار برده است و از آنجا که شیعه مذهب بوده است نگرش او نسبت به خلفا را به خوبی می توان دریافت. اطلاعات مفیدی که در این کتاب مندرج است به بخش های مربوط در این تحقیق کمک شایان نموده است.

اخبار الطوال: این کتاب در ابتدا مختصری از تاریخ فرزندان آدم و سپس بقیه حوادث را ذکر کرده و نویسنده پس از آن به دوره خلافت ابوبکر و عمر و فتح ایران به دست مسلمانان و جنگ های قادسیه و نهاوند و سپس به ذکر حوادث روزگار عثمان و امام علی (ع) پرداخته است که در این تحقیق از این فصل ها استفاده شده است. اهمیت این کتاب در این است که اخبار را به طور دقیق و به صورت گزینش شده بیان کرده است.

الفتوح: این کتاب در پنج بخش نوشته شده است که نویسنده در این بخش ها بیشتر به فتوح پرداخته است. کتاب با ماجرای سقیفه و خلافت ابوبکر و جنگ های رده و توجه مسلمانان به حیره آغاز شده، و سپس خلافت عمر و فتوحات عصر او و خلافت عثمان و ادامه فتوح و قیام علیه وی، خلافت امام علی (ع) و جنگ های داخلی را ادامه داده است. از اطلاعات موجود در این کتاب، در این تحقیق استفاده شده است از آنجا که کتب کمی در مورد فتوح نوشته شده اهمیت این کتاب روشن می شود.

فتوح البلدان: تألیف احمد بن یحیی بلاذری است. این کتاب از مهمترین کتاب هایی است که در مورد فتوحات مسلمین تألیف شده است. اهمیت این کتاب در این پژوهش به خاطر این است که در نگاه اول هر بخش از این کتاب به شهری یا کشوری اختصاص یافته و از نظر دیگر، شهرها را از نظر این که به جنگ یا صلح فتح شده اند به طور مفصل بررسی کرده است، هم چنین در پایان کتاب چند فصل جداگانه را با عنوان فصلی در حکم زمین های خراج، فصلی در امر عطا به روزگار خلافت عمر بن خطاب و... را ضمیمه کتاب خویش نموده است.

الاموال: تألیف ابو عبید قاسم بن سلام متوفی ۲۲۴ هـ ق است که در مورد مسایل مالی تألیف شده است. وی مسایل مالی را با دید وسیع مورد بحث قرار داده است. اهمیت این کتاب در پژوهش حاضر از این جهت است که این کتاب مشتمل بر جزییات مسایل مالی و تجزیه و تحلیل آراء فقهاء موجود تا زمان حیات وی می باشد.

الخرج وصناعه الکتابه: تألیف قدامه بن جعفر می باشد و فصلی از آن در زمینه مسایل مالی مسلمین تألیف شده است که در آن به فتوحات مسلمین و نظام مالی مسلمین پرداخته شده است. این کتاب در اصل کتابی تاریخی و اجتماعی است و در این پژوهش از فصل مربوط به مسایل مالی آن استفاده شده است .

الخراج: این کتاب با بحث درباره تقسیم غنائم و تعریف فیء و خراج آغاز می شود خراج بندی سرزمین های فتح شده از سواد تا شام و جزیره و نیز سرزمین های ایرانی و نوع فتح آنها به صلح یا به جنگ، شکل زراعت و آبیاری، بررسی جزیه و اخذ آن از اهل ذمه از مطالب مهم این کتاب است و به سبب تنوع و تفصیل مطالب و نیز بررسی نظری خراج در این تحقیق اهمیت زیادی داشته است.

فصل مقدماتی:

نگاهی به سیاست های اقتصادی پیامبر (ص)

منابع درآمد دولت پیامبر (ص)

جزیه

خراج

خمس

زکات

اقتاعات

آموزه های اقتصادی پیامبر (ص)

منابع درآمد دولت پیامبر (ص)

از ظهور اسلام تا هجرت حضرت محمد (ص) به مدینه، مسلمانان نظام اقتصادی منسجمی نداشتند؛ تنها مسئله قابل توجه کمک نومسلمانان ثروتمند به نیازمندان مسلمان بود (رمضان پور: ۱۳۸۵، ۲). همچنین خدیجه همسر پیامبر (ص) که از ثروتمندان مکه بود تمام دارایی خود را در اختیار پیامبر (ص) قرار داده بود اما در پی محاصره مسلمانان در شعب ایطالب، همراهی و همدردی مادی میان مسلمانان محاصره شده - که در میان آنان کسانی از بنی هاشم و بنی عبدالمطلب نیز حضور داشتند - بیشتر شد و در نتیجه اموال حضرت خدیجه (س) رو به کاهش گذارد؛ با اینحال بخشش مادی مؤمنان پایان نگررفت (قحف: ۱۳۸۷، ۳۰-۲۹) ظاهراً در آغاز ظهور اسلام، تکیه بر کمکهای بلاعوض در زمان پیامبر (ص) نه تنها در مکه، بلکه در مدینه نیز ادامه داشت.

پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه، نه تنها بخش مهمی از مشکلات اقتصادی مسلمین از طریق پیمان اخوت حل شد بلکه با پیش آمدن جنگها و به دست آوردن غنائم، و در مراحل بعد، وجوب خمس، زکات، جزیه و...؛ در آمد مسلمین به صورت بی سابقه ای افزایش یافت، این منابع درآمد عبارت بودند از:

غنائم

در اوایل اسلام، «غنائم» از مهمترین منابع درآمد محسوب می شد و نقش عمده ای در رفع نیازهای مسلمانان داشت؛ این غنائم عبارت بودند از:

غنایم جنگ بدر (سال دوم هـ): پس از جنگ بدر، پیامبر (ص) دستور داد غنایم به دست آمده را جمع آوری کنند؛ در این میان، بین کسانی که غنایم را گرد آورده بودند و آنها که به حفاظت و حراست از پیامبر (ص) مشغول بودند و جنگاوران، اختلاف افتاد. جمع آورندگان غنایم، مدعی بودند غنایم متعلق به آنهاست؛ جنگجویان مدعی بودند که اگر جلوی دشمن را نگرفته بودند، محال بود غنیمتی به دست آید و نگهبانان پیامبر (ص) در «عریش» ادعا می کردند که می توانستند پیامبر (ص) را تنها بگذارند و به گردآوران غنایم بپیوندند، ولی ترس از برگشتن دشمن، مانع آنها شده است؛ در این حال در پی نزول آیه، پیامبر (ص) غنایم را به طور مساوی میان آنها تقسیم نمود (ابن اثیر: ۱۹۶۵، ۱۳۰/۲)

پیامبر (ص) هم چنین در تقسیم این غنایم برای هشت تن که در این جنگ حاضر نبودند، سهمی در نظر گرفت؛ این هشت نفر عبارتند از عثمان بن عفان به دلیل پرستاری از همسرش رقیه دختر پیامبر (ص)، نتوانست در این جنگ شرکت کند (ابن اثیر، ۱۹۶۵، ۱۳۷/۲-۱۳۰) طلحه بن عبید الله و سعید بن زید نیز به دلیل اینکه از طرف پیامبر (ص)، برای تجسس از کاروان رفته بودند و ابو لبابه به علت اینکه جانشین پیامبر (ص) در مدینه بود و عاصم بن عدی چون سرپرست عالیه بود و حارث بن حاطب بعلت اینکه پیامبر (ص) به بنی عمرو بن عوف مظنون بود، او را برای تحقیق نزد آنها فرستاده بود و حارث بن ضمه که در روهاء مجروح شده بود و بالاخره خوات بن جبیر بعلت اینکه شمشیر وی بنام ذوالفقار در جنگ بدر شکسته بود (همان، ۱۳۷). غنایم این جنگ به عنوان اولین غنایم به دست آمده در اسلام، آن چنان زیاد بود که امام علی (ع) فرمود: «در جنگ بدر یک شتر از بابت تقسیم غنایم به من رسید و یک شتر را نیز پیامبر (ص) از خمس به من داد» (مسلم بن حجاج: ۱۳۷۳، ۱۱۲۵/۳).

غنایم بنی قینقاع (سال دوم هـ): پس از محاصره و در پی آن تسلیم یهودیان بنی قینقاع، پیامبر (ص) یهودیان اسیر را رها نمود و اخراجشان کرد و اموال آنها را به غنیمت گرفت. از آنجا که آنها گروهی زرگر بودند، سلاح و لوازم زرگری بسیاری از آنها به غنیمت ماند (طبری: ۱۳۵۷، ۴۱۸/۲).

غنایم قرده (سال سوم هجری): پس از واقعه بدر، قریش به اجبار راه تجاری خود را تغییر دادند آنها به خاطر ترس از راه شام، از راه عراق حرکت کردند. گروهی از آنها- که ابوسفیان و صفوان بن امیه- نیز جزء آنها بودند- با کاروانی بزرگ و کالای فراوان به راهنمایی فرات بن جیان از طایفه بکر بن وائل برای تجارت حرکت کردند.

پیامبر (ص) زید را برای مقابله با آنها فرستاد زید در مکانی به نام «قرده» با آنها مواجه شد و کاروان را تصرف کرد همه همراهان و نگهبانان کاروان گریختند و زید کاروان را به پیامبر (ص) تحویل داد؛ خمس این کاروان ۲۰ هزار درهم جدا شد، و چهار قسمت دیگر به طور مساوی بین مسلمین تقسیم گردید (طبری، ۱۳۵۷، ۳/۲-۴۹۲).

غنائم بنی نضیر (سال چهارم هـ): مردم بنی نضیر از پیامبر (ص) خواستند از کشتن آنها چشم پوشی کند و در عوض آنها را تبعید نماید به شرطی که آنها نیز اموال قابل حمل خود جز اسلحه را ببرند؛ و پیامبر (ص) این شرط را قبول کرد؛ اموال بنی نضیر از آنجائیکه بدون لشکرکشی و با صلح به دست آمده بود؛ مخصوص پیامبر (ص) بود پیامبر (ص) نیز آنها را فقط به مهاجرین و دو تن از انصار به نام «ابودجانه» و «سهل بن حنیف» که از تنگدستی خود شاکی بودند، بخشید (دنت: ۱۳۴۸، مقدمه)

غنائم بنی قریظه: پس از محاصره بنی قریظه در سال ۵ هـ پیامبر (ص)، اموال و زنان و فرزندان آنها را تقسیم کرد. همچنین پیامبر (ص) «سعد بن زید انصاری» را به همراه گروهی از اسراء بنی قریظه به «نجد» فرستاد که وی با فروش آنها اسب و سلاح خرید (طبری: ۱۳۵۷، ۲/۲-۵۹۱). در این جنگ ۳۶ اسب به کار گرفته شده بود (همان جا). در تقسیم اموال پیامبر (ص) به هر سوار، سه سهم داد، یک سهم برای خود جنگجو و دو سهم به خاطر اسبش و به هر پیاده یک سهم داد (واقعی: ۱۹۶۶، ۲-۵۲۱)

غنائم سربه قرطاء (سال ششم هـ): در سربه قرطاء که به فرماندهی «محمد بن مسلمه» روی داد ۱۵۰ شتر و سه هزار گوسفند و بز به غنیمت گرفته شد؛ پس از ورود سپاهیان به مدینه، پیامبر (ص) خمس آنها را جدا کرد و بقیه را مابین اصحاب خود تقسیم کرد و شتران پروار را معادل ۱۰ گوسفند قرار داد. از این غنائم همه بهره مند شدند (واقعی: ۱۹۶۶، ۵۳۵).

غنائم خیبر (سال هفتم هـ): پس از فتح خیبر، پیامبر (ص) «صفیه دختر حنی بن اخطب» را که اسیر شده بود آزاد نمود و با وی ازدواج کرد؛ سپس اهالی خیبر و اموال آنها را ابتدا میان بنی هاشم و سپس میان همه مردم تقسیم کرد (یعقوبی: ۱۴۱۳، ۳۷۵/۱).

غنائم فدک (سال هفتم هـ): پس از فتح خیبر، پیامبر (ص) «محیصه بن مسعود» را برای دعوت اهل فدک فرستاد؛ اهالی فدک به شرط واگذاری نصف زمین با پیامبر (ص) صلح

کردند^۱ (ابن اثیر: ۱۳۸۵، ۵/۲-۲۲۴). از آنجا که مسلمین به فدک حمله نکرده بودند و نصف فدک با صلح، به دست آمده بود، نیمی از ملک به دست آمده خاص پیامبر (ص) شد و در آمدی که از این ملک به دست می آمد صرف نگهداری غریبان و بی نوایان می شد (قاسم بن سلام: ۱۹۶۸، ۱۳).

غنائم بنی عامر: در ربیع الاول سال ۸ هـ «شجاع بن وهب» همراه با ۲۴ نفر به بنی عامر حمله کرد و تعدادی شتر و گوسفند به غنیمت گرفت؛ در تقسیم این غنائم به هر نفر از آنها ۱۵ شتر رسید (طبری: ۱۳۵۷، ۳۱۳/۲).

غنائم ذات القصة (سال هشتم هـ): پیامبر (ص) «ابوعبیده بن جراح» را به فرماندهی لشکری به «ذات القصة» فرستاد. دشمنان به محض دیدن سپاه گریختند و شتران خود را به جا گذاشتند. مسلمین نیز شتران و اموال آنها را غنیمت گرفتند و نزد پیامبر (ص) آوردند؛ پیامبر (ص) نیز پس از جدا کردن خمس، بقیه غنائم را بر اصحاب سریه تقسیم کرد (همان، ۳۹۴).

غنائم حنین (سال هشتم هـ): در تقسیم غنائم حنین، سال ۸ هـ پیامبر (ص) بخشی از این غنائم را بعنوان «مولفه قلوبهم» به برخی افراد داد «ابوسفیان» و فرزندش «معاویه» و «حکیم بن حزام» و «علاء بن جاریه ثقفی» و «حارث بن هشام» و «صفوان بن امیه» و «سهیل بن عمرو» و «حویط بن عبدالعزی» و «عیینه بن حصن» و «اقرع بن حابس» و «مالک بن عوف نصری»، هریک صد شتر گرفتند و گروهی از آنها نیز که «مخرمه بن نوفل زهری» و «عمیر بن وهب عمرو» و «سعید بن یربوع» از جمله ایشان بودند، کمتر از صد شتر نصیب بردند، از این غنائم پیامبر (ص) به انصار چیزی نبخشید (ابن اثیر: ۱۳۸۵، ۲/۲-۲۷۱). از جمله این غنائم صد هزار برده بود؛ غنائم نیز به جز اموال ربوده شده، ۱۲ هزار شتر بود (منتظری: بی تا، ۱۸-۱۷). (به نظر می رسد که این آمارها قدری مبالغه آمیز باشد).

غنائم نخله: پیامبر (ص) در سال ۸ هـ «عبدالرحمن بن جحش» را با هشت نفر از مهاجران به فرماندهی سریه ای به «نخله» فرستاد؛ هنگامیکه وی به نخله رسید با کاروان تجاری قریش که کالاهایی شامل کشمش (مویز) و چرم و... همراه داشت نبرد کرد و کالاهای کاروان را

۱. در الکامل (ج ۲، ص ۲۲۱) آمده است: «اهالی فدک بمعامله اهالی خیبر تن دادند.»؛ در تاریخ طبری، (ج ۲ ص ۳۰۶) آمده است «اهالی فدک صلح کردند و مقرر نمودند که نصف حاصل فدک را بدهند.»

متصرف شد. پیامبر (ص) نیز پس از جدا کردن خمس این غنایم، باقی مانده را بر یارانش تقسیم کرد (یعقوبی: ۱۹۹۳، ۳۸۹/۱).

جزیه

جزیه یکی از مهمترین منابع مالی دولت پیامبر (ص) محسوب می‌شد؛ زیرا فتوحات اعراب در عهد پیامبر (ص) به زحمت از شبه جزیره عربستان فراتر می‌رفت و سیاست پیامبر (ص) نیز ایجاد وحدت کامل در عربستان بود؛ از این رو مشرکان یا باید با مسلمین می‌جنگیدند یا اینکه مسلمان می‌شدند؛ اما در مورد اهل کتاب راه سومی نیز وجود داشت؛ اینکه با پرداخت جزیه به زندگی خود در شبه جزیره ادامه دهند و در مقابل از خدمات اقتصادی، امنیت جانی و مالی و... برخوردار شوند.

درباره اهل کتاب، پیامبر (ص) به دو طریق عمل کرده است؛ در بعضی موارد مبلغ معین مقطوعی (نقدی یا جنسی) بر آنان مقرر داشته است و در موارد دیگر به شیوه دیگری عمل کرده است. اراضی خیبر و فدک را در برابر تعهد پرداخت نیمی از محصول، به سکنه آن سپرده است و بر زردشتیان هجر (بحرین) که اسلام نیاوردند، جزیه مقرر داشته است (دنت: ۱۳۴۸، مقدمه) مبلغ جزیه در زمان پیامبر (ص) یک دینار بود که سالانه از مردان گرفته می‌شد. به گزارش واقدی پیامبر (ص) برای اهل ایله که ۳۰۰ مرد داشت، ۳۰۰ دینار جزیه تعیین کرد (ابن اثیر: ۱۳۸۵، ۲/۲۸۰). از امام صادق نقل شده است که رسول خدا (ص) جزیه را بدان شرط از اهل ذمه قبول کرد که ربا و گوشت خوک نخورند و خواهران و برادرزادگان و خواهرزادگان‌شان را به نکاح خود در نیاورند؛ پس هر کدام از ایشان که یکی از این امور را مرتکب شد، ذمه خدا و ذمه پیامبرش از او بری است؛ همچنین فرموده است: رسول خدا (ص) پیمان ذمه را به ذمیان زمان خویش عطا فرمود و جزیه سرانه را از آنها قبول کرد به شرط اینکه فرزندان‌شان را یهودی و نصرانی نکنند (صدوق: ۱۳۶۹، ۳۵۲). از یونس بن عبید روایت شده پیامبر اکرم (ص) امر کرد با اهل کتاب بجنگند تا آن که جزیه بپردازند (ابو عبید: ۱۹۶۸، ۳۷).

خراج

در باب ریشه لغوی خراج سخن‌ها رفته است این کلمه به روایتی از یونانی به عربی و به روایت دیگر از زبان آرامی از فارسی از عبری و آکادی و مطابق نظریه دیگری به واسطه زبان فارسی از آرامی به عربی آمده است (مدرسی طباطبایی: ۱۳۶۲، ۱۴-۱۳). این کلمه در قرآن

کریم در آیه ۷۲ سوره مومنون و بنابر قرائتی در آیه ۹۴ سوره کهف به کار رفته است و بیشتر مفسران آن را به معنی پاداش و عطیه گرفته‌اند (همان، ۱۴). در احادیث نبوی نیز این کلمه با معانی لغوی ای از قبیل درآمد و سود، محصول زمین و عوارض به کار برده شده است (قدامه بن جعفر: ۱۳۵۳، ۲۷۸).

مطابق گفته منابع، خراج به معنای خاص آن که «مالیات ارضی» است در دوره پیامبر (ص) وجود نداشت اما در مآخذ شعیه و سنی روایاتی مبنی بر وجود خراج موجود است؛ با این حال روایات نمی‌توانند سندی درباره وجود خراج در دوران پیامبر (ص) به شمار آیند برای مثال پیامبر «علاء حضرمی» را برای جمع آوری خراج به نزد غیر مسلمانان بحرین فرستاد و او هشتاد هزار درهم از غیر مسلمانان بحرین گرفت و برای پیامبر (ص) فرستاد (همان جا). همانگونه که از اصل این روایت بر می‌آید، منظور از خراج همان جزیه بوده است در این روایت چیزی در مورد مالیات زمین کشاورزی عنوان نشده است و آنچه از اهالی بحرین گرفته شده مسلماً همان جزیه بوده که مطابق آیه قرآن از غیر مسلمین گرفته می‌شده است؛ مطابق روایت دیگری اهالی خیبر از پیامبر (ص) خواستند که در اراضی خود بمانند و کار کنند و نصف محصول را به پیامبر (ص) بدهند. پیامبر (ص) این پیشنهاد را پذیرفت به شرطی که هر وقت بخواهد آنها را اخراج کند (ابویوسف: ۱۳۵۲، ۲۳۱). آنگونه که در این روایت بیان شده است شرط صلح پرداخت نیمی از محصول زمین در برابر سکونت در خیبر و کار کردن در اراضی آن بوده است اما این نیز خراج محسوب نمی‌شده است زیرا غیر مسلمانان مطابق دستور قرآن در ازای ماندن در شهرشان و داشتن امنیت باید جزیه بپردازند نه خراج و از آنجائیکه در روایات دیگر، به مالیاتی که به معنای خراج (مالیات ارضی) باشد، اشاره ای نشده است مسلماً در این روایت کلمه خراج در معنای جزیه بکار رفته است و بنابراین می‌توان گفت در زمان رسول الله (ص) مالیاتی به نام خراج وجود نداشته است.

د) خمس: خمس از منابع مالی است که در زمان پیامبر (ص) و براساس آیه «واعلموا انما غنمتم من شیء فان الله خمسہ» (قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۴۱). واجب گردید؛ خمس نه تنها از غنایم جنگی، بلکه از سایر منابع درآمد نیز گرفته می‌شد؛ از جمله: گنج، معدن و... اولین خمسی که پیامبر (ص) گرفت، از غنایم بنی قینقاع بود (ابن اثیر: ۱۳۸۵، ۱۳۸/۲). خمس از جمله مالیاتهایی بود که فقط مسلمین ملزم به پرداخت آن بودند؛ در دوران رسول الله (ص) وجوه خمس به اندازه‌ای زیاد بوده است که پیامبر (ص) برای جمع آوری آن، مأموران ویژه‌ای